

تحول سیاست‌نامه‌نویسی در ایران اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های خواجه نظام الملک، کاشفی و سبزواری

حسین فروغی نیا

استادیار موسسه آموزش عالی فروردین قائم‌شهر، مازندران، ایران.

hforoughiniya57@yahoo.com

چکیده

مباحث مربوط به اندیشه سیاسی در ایران، با تمرکز بر دوره اسلامی، محقق را مستقیماً به مجموعه‌ای از آثار ارجاع می‌دهد که ذیل عنوان سیاست‌نامه در دوره‌های مختلف تاریخ به نگارش درآمده‌اند. سیاست‌نامه‌نویسی در این دوران حاصل انباشت یک دوگانگی فکری - فرهنگی است که از سویی بازتابی از اندیشه سیاسی در دوران ایران باستان است و از دیگر سو با رگه‌هایی از اندیشه سیاسی اسلامی آمیخته است. معتبرترین اثر در این چهارچوب سیاست‌نامه خواجه نظام الملک طوسی در دوران سلجوقی است. پس از آن، آثار دیگری نیز که به نگارش درآمده و تحت این عنوان مورد خطاب قرار گرفته‌اند، به لحاظ روش و محتوا، با تغییراتی تقریباً از همان روند پیشین پیروی کرده‌اند. با این حال، ادعایی گزافه نیست اگر هدف از نگارش این آثار را در اصل بر حفظ قدرت حاکم دانست. حفظ قدرت حاکم، با تلاش برای مشروعیت‌بخشی به آن در یک درهم‌کنشی دانش - قدرت قابل فهم است؛ لذا با توجه به موضوع آن، تلاش شده است تا با توجه به روش نظری چهارگانه اسپریگنز به این پرسش پاسخ داده شود که روابط قدرت و مصلحت صاحبان اقتدار سیاسی و به‌طورکلی قدرت سیاسی - اجتماعی حاکم چه تأثیری بر انگاره سیاست‌نامه‌نویسی خواجه نظام الملک، واعظ کاشفی و محقق سبزواری داشته است؟ نتایج نوشتار حاضر نیز نشان می‌دهد که سیاست‌نامه‌نویسی در ایران دوره اسلامی اساساً متأثر از ساختار اجتماعی - سیاسی قدرت، در وجه ایجابی یا سلبی و بازتاب مصالح اقتدار سیاسی بوده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌نامه‌نویسی، دوران اسلامی، قدرت سیاسی، نظم مطلوب سیاسی، حکومت‌مداری.

۱. طرح مسئله

سیاست‌نامه‌ها در عصر اسلامی عموماً در دوره‌ای از تاریخ ایران شکل گرفته‌اند که اصطلاحاً به «دوره میانه» معروف است. تاریخ میانه ایران از چند جهت حائز اهمیت است و آن شکل‌گیری سلطنت‌های نیمه‌مستقل در سرزمین ایران بود که در کنار خلافت اسلامی در بغداد شکل گرفتند و اگرچه مشروعیت خود را از خلیفه بغداد کسب می‌کردند، ولی در اعمال قدرت مستقل بودند. در واقع، این سلطنت‌های جدید برای توجیه خود نیاز به اندیشه جدیدی داشتند که سیاست‌نامه‌ها می‌توانست این کارکرد را به‌خوبی انجام دهد (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

شریعت‌نامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها، دو الگوی اندیشه سیاسی پسینی در این دوره زمانی؛ یعنی دوره میانه تمدن اسلامی بودند که هرکدام به‌گونه‌ای منازعه گفتمان‌های سیاسی را در خود بازتاب می‌دادند. شریعت‌نامه‌نویسان برجسته همچون ابوالحسن ماوردی و امام محمد غزالی در کتاب‌های احکام السلطانیه و نصیحة الملوک هرکدام به‌گونه‌ای، دغدغه توجیه مشروعیت گفتمان خلافت بوده‌اند. هرچند این اندیشمندان شریعت‌نامه‌نویس، تلاش نظری گسترده‌ای را برای تئوریزه کردن گفتمان مستقر خلافت و آشتی دادن آن با گفتمان‌های واقع دیگر، همچون گفتمان سلطانی کردند، اما در نهایت تلاش‌های آن‌ها نتوانست به اعتبار گفتمان خلافت کمک کند. در مقابل این دو رویکرد، در چرخشی آشکار، سیاست‌نامه‌نویسان به دنبال عبور از گفتمان سیاسی خلافت و تئوریزه کردن گفتمان واقع شاهی برآمدند. خواجه نظام الملک در این زمینه با احیای اندیشه سیاسی ایرانشهری و تبیین آن به‌عنوان الگوی عملی سلاطین در دوره سلجوقی نقش برجسته‌ای را ایفا کرده است. کاشفی و سبزواری نیز با توجه به این که دارای مناصب دینی بودند و اندیشه دینی در مشروعیت‌دهی به حاکم بر اندیشه سیاسی ایرانشهری غلبه داشته؛ لذا مبنای مشروعیت حاکم بیش از آن که از مبانی اندیشه ایران باستانی برآید، از معرفت دینی اتخاذ شده است؛ درحالی که اسلوب و روش نگارش همان است که در سده‌های گذشته و نیز روال سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی وجود داشته است.

آنچه در این نوشتار ضرورت انجام تحقیق را دوچندان می‌کند، نقش اوضاع سیاسی و اجتماعی هر عصری در چهارچوب قدرت سیاسی حاکم در انگاره اندیشمندان و صاحب‌منصبان برای ترسیم نظم مطلوب سیاسی و ایجاد جامعه آرمانی در قالب سیاست‌نامه‌نویسی است که کمتر موردبررسی و کاوش قرار گرفته است. پرسش مطرح‌شده این نوشتار آن است که قدرت سیاسی - اجتماعی چه تأثیری بر تفکر سیاست‌نامه‌نویسی اندیشمندان مدنظر این نوشتار در تاریخ ایران

دوره اسلامی، به خصوص از قرن پنجم به این سو، تا پایان حکمرانی امپراتوری صفویه داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، فرضیه بدین صورت مطرح شده است که سیاست‌نامه‌نویسی در ایران دوره اسلامی اساساً متأثر از ساختار اجتماعی - سیاسی قدرت، در وجه ایجابی یا سلبی و بازتاب مصالح اقتدار سیاسی بوده است؛ لذا اندیشه‌های سیاست‌نامه‌نویسان مورد بحث این جستار، با استفاده از چهار مرحله اسپریگنز، یعنی تشخیص بحران، علل بحران، جامعه آرمانی و راه حل، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی توسط پژوهشگران و متفکران درباره زندگی و اندیشه‌های سیاست‌نامه‌نویسان تاریخ ایران صورت گرفته است که در ذیل به تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه خواهیم پرداخت.

پروین ترکمنی‌آذر در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر آداب ملوک و قاعده ملک‌داری در نگاه افضل‌الدین کرمان»، ضمن بررسی آداب ملوک و آیین کشورداری مطرح در کتاب *عقد العلی للموقف الاعلی*، آن را با ارکان اساسی و مشترک مورد بحث در سیاست‌نامه‌ها در زمینه جایگاه پادشاهان در جامعه، نقش و پیوستگی دین با ملوک، جایگاه عدل و... مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهد (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۸).

نگین یآوری در یکی از آثارش با عنوان *اندرز به سلطان؛ نصیحت و سیاست در اسلام قرون میانه*، روش مطالعه در تاریخ اندیشه سیاسی را از بنیان متحول می‌کند و لزوم توجه به مسیرهای مختلف تاریخی و واقعیت‌های سیاسی حاکم را در برداشت لیبرال از جهان مدرن به ثبوت می‌رساند (یآوری، ۱۳۹۷).

آن لمبتون در اثری با عنوان *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، بر آن است که عناصر تداوم و تحول را در وجه مختلف تاریخ سلجوقیان بزرگ، خوارزمشاهیان و ایلخانان نشان دهد. او عقیده دارد که نباید این دو عنصر را در تقابل و تباین شدید با یکدیگر قرار داد چون در سرتاسر دوره مورد بحث، تداوم پایا وجود داشته است (لمبتون، ۱۳۹۲).

سید جواد طباطبایی در کتاب *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران* به سه جریان عمده اندیشه سیاسی در دوره اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است هر یک از اندیشه‌پردازان اسلامی در یکی از این سه مقوله (فلسفه سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی و شریعت‌نامه‌نویسی)

گنجاننده می‌شوند. وی بر این عقیده است که اندیشه‌ورزی در عالم سیاست صرفاً معلول آسیب‌ها و بی‌نظمی‌های موجود در بطن جامعه بوده و اندیشمند همواره در جهت اصلاح و امور جامعه بوده است. در این که سیاست‌نامه‌ها اصالتاً به کدام حوزه فکری وابسته بوده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد. تحلیل این است که سیاست‌نامه‌نویسی در جهان اسلام در ادامه سنت اندرزنامه‌نویسی در اندیشه سیاسی ایرانیان قبل از اسلام بوده است. طباطبایی مدافع اصلی این نظریه است؛ از نظر او این موضوع به دو دلیل اهمیت دارد، اول این که از دید تحول تاریخی ایران، از این حیث که بنیان اندیشه سیاسی بر تأمل در دوران‌های تاریخی استوار است؛ دوم، از دیدگاه تاریخی اندیشه سیاسی و تداوم منطق درونی حاکم بر گفتار (گفتمان) سیاسی (طباطبایی، ۱۳۸۳).

داوود فیرحی در یکی از آثارش تحت عنوان قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، در مقابل دیدگاه یادشده سید جواد طباطبایی که سیاست‌نامه‌ها را در تداوم اندیشه‌های ایرانشهری تحلیل می‌کند، دیدگاه دیگری می‌آورد و آن این است که سیاست‌نامه‌ها را ذیل نظریه سلطنت اسلامی، تحلیل می‌کند. فیرحی سیاست‌نامه‌ها را اندیشه دوره میانه تاریخ اسلام می‌داند که سلطنت اسلامی رایج شد و تأکید می‌کند که مفردات سیاست‌نامه‌ها را نه از گذر اندیشه ایرانشهری، بلکه به اعتبار منظومه عقلانیت دوره میانه باید فهمید (فیرحی، ۱۳۸۲).

اروین روزنتال برای اولین بار در سال ۱۹۵۸، در اثری با عنوان اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه به تقسیم‌بندی سه گانه فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه‌نویسی و اندرزنامه‌نویسی (یا آئینه‌شاهی)، در حوزه اندیشه سیاسی اشاره نمود. وی مشخصه رهیافت اول را تفکر عقلی، ویژگی رهیافت دوم را تکیه بر متون شریعت و نظریه خلافت، و مشخصه رهیافت سوم، همانند کلیده‌ودمنه ابن مقفع، را اندیشه حفظ قدرت می‌داند. روزنتال، اندرزنامه‌نویسی را برخاسته از تفکر ایرانی می‌داند؛ و آن را در مقابل فلسفه سیاسی که از تفکر فلسفی یونان اتخاذ شده، قرار می‌دهد (روزنتال، ۱۳۸۷).

بررسی موردی این آثار و مواردی از این قبیل نشان می‌دهد که این اندیشمندان، ارزیابی کلی از سیاست‌نامه‌نویسان و تاریخ اندیشه سیاسی ایران داشته‌اند. روی هم‌رفته با توجه به پیشینه مطرح‌شده، نکته مهم در انجام این پژوهش، نوآوری در خصوص بررسی ساختار حکومت و اقتدار سیاسی - اجتماعی زمانه در ترسیم و نگارش سیاست‌نامه‌نویسی در دوره میانه تاریخ ایران فارغ از مباحث فلسفه سیاسی است.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

توماس اسپریگنز^۱، اندیشه سیاسی فلاسفه بزرگ غرب را با الگوی چهارگانه جستاری خود؛ یعنی مشکل‌شناسی، علت (دلیل)‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی پردازش کرده است. او در گام اول مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقع‌گرا بوده و اندیشه‌های سیاسی آنان پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. بر این اساس نظریه‌های سیاسی صرفاً تفریح آکادمیک نبوده، بلکه عمیقاً به موضوعات علمی و روزمره سیاست مربوط است. تلاش آن‌ها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند (برزگر، ۱۳۸۳: ۴۸). به بیان اسپریگنز، توجه بیشتر نظریات سیاسی معطوف به مشکلات واقعی و ضروری است. آثار اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی در پاسخ به مشکلات سیاسی که طیف وسیعی از افراد را گرفتار خود نموده‌اند، خلق گردیده است؛ از دیدگاه نظریه‌پرداز سیاسی، جامعه دچار بیماری است و وضع اداره آن نامطلوب است (اسپریگنز، ۱۳۹۲: ۲۹).

اسپریگنز در کتاب **فهم نظریه‌های سیاسی**^۲ کمتر در مقام یک پژوهنده امر سیاسی و حتی یک فیلسوف سیاسی که به دنبال چستی سیاست باشد، ظاهر می‌شود. سواى مباحث سیاسی وی گویی مؤلف و چونان مرشد و رهبری غم‌خوار است که نگران انسان، دغدغه‌ها و سرنوشت اوست. وجه نوآورانه کتاب اسپریگنز متضمن حضور، جایگاه و مراقبت از انسان در قلمرو نظریه‌پردازی سیاسی است. گاه می‌توان اندیشید که حتی یک انسان‌شناسی نیز از درون کتاب اسپریگنز واجد بررسی و قابل وصول است. دو چیز در فرایند تبیین نظریه سیاسی در آثار اسپریگنز محدودیت و پیوستگی دارد؛ انسان و معناداری زندگی. می‌توان رویای یک انسان‌شناسی غیرمفهومی را در نزد اسپریگنز پی گرفت که البته در این کتاب پررنگ‌تر است. هسته مرکزی در اغلب نظریه‌های سیاسی شکوفایی انسان^۳ است و اسپریگنز نیز آن را مورد توجه جدی دارد (شاکری، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۱۰۱).

در مجموع، بر اساس الگوی ارائه‌شده از سوی توماس اسپریگنز، و با توجه به اینکه محور اصلی این پژوهش، مفهوم سیاست‌نامه‌نویسی متأثر از قدرت سیاسی - اجتماعی دوره میانه

1. Thomas A. Spragens
2. Understanding political theories
3. Human Flourishing

اسلامی است، سعی شده است با مطالعه متن آثار سیاست‌نامه‌نویسان، به اندیشه و کنش آن‌ها پی ببریم. برای عملی ساختن این موضوع، ناگزیر باید مشکلات و پرسش‌های مطرح‌شده در زمانه آن‌ها را که هدف آثارشان پاسخ‌گویی به آن‌ها بوده است، زمینه اجتماعی و سیاسی که در آن اندیشه‌ورزی کرده‌اند، و همچنین، چگونگی تأثیر این اندیشه آن‌ها برکنش‌هایشان را در ترسیم نظام مطلوب سیاسی بشناسیم.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر قدرت سیاسی بر سیر تحول سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی در تاریخ میانه ایران اسلامی از قرن پنجم تا فروپاشی صفویه است؛ لذا نوشتار حاضر، با اتکاء بر منابع کتابخانه‌ای و استفاده از پاره‌ای کتاب‌ها و مقاله‌ها با روش توصیفی و تحلیلی پردازش شده است.

۵. سیاست‌نامه‌نویسی در ایران دوره اسلامی (قرن پنجم به بعد)

واکاوی درخصوص اندیشه سیاسی ایران دوره اسلامی از سده پنجم به این سو، در چهارچوب مراجعه به سیاست‌نامه‌های این دوران و بررسی نقش قدرت سیاسی - اجتماعی بر اندیشه‌ورزی سیاسی، هدف نوشتار حاضر را شکل می‌دهد؛ لذا، به بررسی سه اثر سیاست‌نامه خواجه نظام الملک طوسی در عصر سلجوقیان، اخلاق محسنی واعظ کاشفی در عصر تیموریان و درنهایت روضه‌الانوار عباسی محمدباقر سبزواری در عصر صفویه پرداخته می‌شود.

۱-۵. سیاست‌نامه

اولین اثر موردبررسی این نوشتار، که همانا مهم‌ترین سیاست‌نامه در تاریخ ایران نیز به حساب می‌آید، کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی است که به‌عنوان اثری کلیدی در عصر سلجوقیان نگاشته شده است. خواجه نظام‌الملک در مدتی به نسبت طولانی در شکوفاترین اعصار تاریخ تمدن اسلامی، وزیر یکی از پهناورترین امپراتوری‌های اسلامی بود. زندگی و دوران ایشان به‌تفصیل و در مطالعات مختلف بررسی شده و در اینجا نیازی به تکرار آن‌ها نیست؛ اما اشاره مختصر به چند عامل بالقوه و موجد تغییر در جامعه و عرصه سیاسی (دینامیسم سیاسی و فرهنگی) و دربار آن روزگار که بر افکار و آرای خواجه تأثیر غیرقابل‌انکاری گذاشتند، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۵. مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر خواجه نظام الملک

برای فهم نگرش اندیشه خواجه نظام الملک در باب آداب ملوک و حکومت‌مداری باید ابتدا با توجه به مرحله اول از الگوی چهارگانه اسپریگنز؛ یعنی مشکل‌شناسی (تشخیص بحران) به شرایط و اوضاع زمان خواجه اشاره کرد. این عمل از آن جهت حائز اهمیت است که امکان دستیابی به مرحله دوم یا به عبارتی، فهم و تفسیر اندیشه‌های خواجه را فراهم می‌نماید.

مهم‌ترین بی‌نظمی‌های ناشی از وضعیت زمانه خواجه عبارت بود از: مشکلات مبتلابه حکومت و جامعه؛ لذا در کنار مؤلفه‌های فوق، در این دوران، زمانه خواجه با مشکلات و بی‌نظمی‌های زیاد دیگری نیز مواجه بود که خواجه به‌خوبی آن‌ها را شناسایی و در طرح اندیشه خود وارد کرده بود. از جمله می‌توان به تلاش‌ها و دخالت‌های ترکان خاتون، همسر ملک‌شاه سلجوقی، و وزیرش تاج‌الملک ابوالغنائم پارسی، در امور مملکت‌داری اشاره کرد، که نه تنها تهدیدی برای وزارت خود خواجه بود بلکه موجب ترس او نیز می‌شد؛ چرا که می‌توانست ساختار قدرت سیاسی کهن را به‌طور کلی از بین ببرد. در عین حال، تلاش‌ها و فعالیت‌های اسماعیلیان، که از نظر خواجه بدمذهبان بودند، که گاه آنان را خارجی، مزدکی، قرمطی، بواطنه، گبری، رافضی و شاعی نیز می‌خواند، همان مخالفان یا رقیبان مذهب سنی بودند که تحت نام تشیع فعالیت می‌کردند و یک فرقه از آنان یعنی اسماعیلیان، چه به لحاظ اقدامات براندازنده و چه به لحاظ مسائل اعتقادی و اندیشه‌های کلامی، خود برای نظام سنت و نهادهای پاسدار آن، یعنی خلافت عباسیان و حکومت‌های پادشاهی و امیری، بسیار خطرآفرین بودند. در این دوران نیز، اوج‌گیری اختلاف میان گروه‌های قبیچاقی و قنقلی سپاه سلجوقی، و ظلم و ستم آنان نسبت به مردم، باعث شد که خواجه از این واقعیات موجود زمانه با عنوان «حادثه‌ای آسمانی» و «فتنه و آشوب» یاد کند که نتیجه آن‌ها خارج‌شدن کارها و امور مملکت از نظم و قاعده و حاکم‌شدن هرج و مرج در جامعه بود (زرگری‌نژاد، فروزش، ۱۳۸۶: ۱۳۵). همه این موارد که خواجه به ترتیب برمی‌شمارد، در برهم خوردن نظم و نظام قدرت سیاسی دوران، تمام آن چیزی است که وی به دید مشکلات موجود در بستر اجتماعی و سیاسی زمانه مورد نقد قرار می‌دهد و در سیاست‌نامه، در تلاش است تا مسیری را که به شیوع این بی‌نظمی‌ها می‌انجامد، ببندد و راهی را بگشاید که بر مسیر نظم سیاسی مستحکم ایرانی - اسلامی بر مبنای سلسله‌مراتبی از قدرت بناگردد. مهم‌تر آن که، این گروه‌های اقلیت که برای حکمرانی سلجوقی تهدید محسوب می‌شدند، در آرمان خود بیشتر به ویرانگری می‌اندیشیدند تا بازسازی و استقرار؛ چرا که آن‌ها نابودی وضع موجود و تغییر آن را

به‌غایت در اولویت خود تعریف کرده بودند.

۲-۱-۵. دلایل بروز چالش‌ها و مشکلات سیاسی عصر خواجه نظام الملک

در قالب نظریه بحران اسپریگنز، یکی از مراحل اساسی حل بحران، شناسایی مشکل و معضل است. در اینجا اشاره مختصر به چند عامل بالقوه و موجد تغییر در جامعه و عرصه سیاسی (دینامیسم سیاسی و فرهنگی) و دربار آن روزگار که بر افکار و آرای خواجه تأثیر غیرقابل انکاری گذاشته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد:

الف. نسبت سلطان و خلیفه: سلاجقه با وجود آن که آل بویه شیعه مذهب را برانداختند و خلیفه را رهاساختند؛ اما خود همواره مطیع او نبودند و ضمن تمایل به کسب تأیید خلیفه، در تلاش بودند تا او را تحت تسلط خود درآورند (سلیمان الراوندی، ۱۳۶۴: ۱۰۲).

ب. رواج اختلافات مذهبی و فرقه‌ای: اختلافات فرقه‌ای و مجادلات نحل و فرق در عصر خواجه، در اوج خود بود و این مشاجرات، به بحث‌های لفظی و کلامی موقوف نمی‌ماند و در عمل نیز درگیری‌های خونباری رخ می‌داد. ترکان سلجوقی پس از تسلط بر ایران، برای کسب مشروعیت سیاسی از جانب خلیفه عباسی و کسب مقبولیت در میان مردم ایران، در جهت احیای قدرت ضعیف شده خلیفه و مذهب تسنن اقدام کردند. سلاطین سلجوقی و وزرای ایرانی آنان در راستای این هدف به تعصبات مذهبی متوسل شدند که حتی تعصبات نظام الملک شافعی مذهب، اولاً او را در تأسیس نظامیه که با هدف همگونی فکری کارگزاران آینده ایران و رسیدن به وحدت سیاسی صورت گرفته بود، با شکست روبرو کرد؛ ثانیاً اختلاف نظام الملک با همسر قدرتمند ملکشاه، ترکان خاتون، راه دربار را به روی پیروان مذهب رقیب، شیعیان امامی، گشود. در این دوره فعالیت اسماعیلیان نیز در ابعاد جدیدی رو به رشد نهاد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۵۳).

ج. اختلافات داخل دربار: نقش خواجه در قتل عمید الملک کندری و نسبت دادن آغاز سنت «وزیرکشتن» به خواجه (سلیمان الراوندی، ۱۳۶۴: ۱۸۲) اگر هم واقعیت نداشته باشد، حکایت از اوضاع پرتنش و نفاق داخل دربار و رواج درگیری‌ها بین اشخاص را دارد. از جمله موارد دیگر می‌توان به تلاش‌ها و دخالت‌های ترکان خاتون، همسر ملکشاه سلجوقی، و وزیرش تاج‌الملک ابوالغنائم پارسی، در امور مملکت‌داری اشاره کرد که نه تنها تهدیدی برای وزارت خود خواجه بود و موجب ترس او می‌شد، بلکه می‌توانست ساختار قدرت سیاسی کهن را به‌طور کلی از بین ببرد.

علاوه بر این، خواجه تلاش می‌کرد در شرایطی که به‌اختصار بیان شد، برای حفظ قدرت پادشاه و حفظ خود و فرزندان در قدرت، ضمن ترویج مذهب مختار خویش و طرد بدمذهبان و مخالفان، راهنمایی‌هایی را به سلطان در قالب سیاست‌نامه ارائه کند. به‌طورکلی، استبداد سیاسی، جامعه نابرابر، فقر شدید، جهل و خرافات در ایران در دوران خواجه از عوامل دیگری نیز بوده است که در سیرالملوک سنتی‌ترین و نهادینه‌ترین شیوه حکمرانی تا آن روزگار ترسیم شده است (اسلامی، خواجه سروی، ۱۳۹۲: ۲۳).

۳-۱-۵. آرمان‌شناسی در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک

در واقع سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک انعکاس نظرات و تفکرات وزیر بزرگ سلجوقی درخصوص مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود و آرمان‌های او در ایجاد جامعه مطلوب و آرمانی است. این نظرات منطبق با وضعیت گفتمانی حاکم بر دوران حکمرانی خاندان سلجوقی است و بر منطق ناشی از این وضعیت فصل‌بندی شده است و تلاش نموده تا این نظم گفتمانی را به شکل سلسله‌مراتب به تحلیل واقعیت اجتماعی - سیاسی هر گروه و طبقه آن به شکل هرمی فصل‌بندی نماید. در این نظم شاه در رأس، وزیر پس از او و مردم عادی در قاعدهٔ هرم قرار دارند.

آنچه در اندیشهٔ خواجه نظام اهمیت دارد، نقش فرمانروا و حاکم است و از نظر او، کار بندگان جزء از طریق عدل و سیاست امیری دادگر، نظام نمی‌گیرد. محور اصلی تحلیل سیاسی سیاست‌نامه، فرمانروا است و خواجه تمامی هم خود را صرف این امر می‌کند که راه و رسم فرمانروایی؛ یعنی بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۹۱).

به نظر خواجه ساخت قدرت سیاسی از چهار ضلع تشکیل شده است: خدا، شاه، دین و بنده. خدا مالک و سلطان مطلق جهان و جهانیان است که گاه این سلطنت خود را به بنده‌ای از بندگان خود که واجد صفات ویژه‌ای است تفویض می‌کند تا بر اساس عدل و داد و دین مرسل از سوی او بر رعایا حکم براند و در واقع معجزی اوامر و نواهی الهی و واسطه جریان و سیلان اراده حضرت حق در میان خلق باشد (جوآپور هروی، ۱۳۸۶: ۹۱).

۴-۱-۵. راه‌حل‌شناسی در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک

حکومت‌مداری شیوه‌های عملی فکر کردن در باب قدرت است؛ به گونه‌ای که در آن، بر اعمال

و محدود کردن قدرت تأکید می‌شود. بر اساس حکومت‌مداری متافیزیکی شیوه‌های عملی قدرت اغلب کیفی و اندرزی است و شیوه‌های مکانیکی و فیزیکی قدرت، اغلب بوروکراتیک است. خواجه نظام الملک به تمام معنا متفکری عمل‌گرا است که تکنیک‌های عملی در مورد امور عمومی مبتنی بر مصلحت را طراحی کرده است (اسلامی، خواجه سروی، ۱۳۹۲: ۴). راه‌حل خواجه برای گذار از بحران‌های پیشین، ایجاد دولت بر نهادی اخلاقی و بستری باستانی حول شخصیت سلطانی با فره ایزدی است. بدین صورت که با بهره‌گیری از رویکرد دینی سنی محور و شریعت‌پندارش، برآوردن نیازها را در چهارچوب نوعی حکومت اسلامی می‌داند که پادشاه با خصایل نیکو که اسلام و شریعت مشخص نموده و بر بستر حکمرانی ایران باستان، بتواند به حکمرانی بپردازد. لذا، دولت و حکومت مطلوب خواجه تلفیقی از فهم شریعت‌محور او از دین و باورش به حکومت ایران باستان است.

بنابراین مفهوم مهم و کلیدی راه‌حل خواجه برای بحران‌های مذکور، عدالت است که یکی از ارکان اندیشه ایرانشهری است. عدالت در نگاه نظام‌الملک، در شعاع احسان و نیکی است که حاکم به رعیت دارد و از خصایص خوب او به حساب می‌آید و کلیدواژه مهم اندیشه سیاسی اوست. رابطه پادشاه و مردم از منظر گفتمانی، بر مبنای خوانش پایین به بالا از انتظار و پاسخ‌گویی شاه از سوی مردم نیست، بلکه به استناد واقعیت زمانه نگارش سیاست‌نامه به شکل بالا به پایین و تحمیلی است. در این نظم گفتمانی، شاه دارای قدرت هژمون در اعمال عدالت مد نظر خود بر جامعه است و جامعه نیز حق پرسش ندارد، چراکه شاه با فره ایزدی خود، صلاح جامعه را بهتر از آن‌ها می‌داند (نظام الملک، ۱۳۸۰: ۷۹).

در مجموع، خواجه در سیاست‌نامه اقتدار پادشاهی عصر سلجوقی را با عظمت امپراتوری باستان پیوند می‌زند. وی داستان‌های زیادی از شیوه حکومت پادشاهان عصر ساسانی می‌آورد تا عظمت آن دوران را نمایان سازد. در این راستا محور اصلی تحلیل سیاسی خواجه در کتاب **سیاست‌نامه** فرمانروا می‌باشد و خواجه تلاش می‌نماید تا راه و رسم فرمانروایی یا به عبارتی شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۲). در نتیجه، خواجه برخلاف نظر ماوردی در **احکام السلطانیه**، از خلیفه دفاع نمی‌کند؛ بلکه شاه را برگزیده خدا و دارنده فره شاهی و برتر از خلیفه می‌داند. بر اساس نگرش خواجه صفت بارز شاه عدالت است که اساس قرارگرفتن فره ایزدی در پادشاه ایران باستان بوده است (قادری، ۱۳۹۴: ۵۶).

۲-۵. اخلاق محسنی

اثر دیگری که در دوران مورد بررسی این نوشتار و در چهارچوب سیاست‌نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد، کتاب **اخلاق محسنی یا جواهر الاسرار** اثر واعظ کاشفی است. این اثر در عهد تیموریان به تحریر درآمده که در زمینه حکمت عملی و اخلاق سیاسی است و در سال ۹۰۰ ق تألیف شده است. ایشان در این اثر با الگوبرداری از **اخلاق ناصری** (خواجه نصیرالدین طوسی) و **اخلاق جلالی** (جلال الدین دوانی) به بیان آرا و نظرهای سیاسی خویش در قالب موعظه و نصیحت پرداخته است که به نوعی اندرزنامه‌های شریعت‌مآبانه است و پاسخی به وضعیت سیاست و حکمرانی در ایران عصر تیموریان و بایستگی‌های لازم جهت بهبود وضعیت آن است.

۱-۲-۵. مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر واعظ کاشفی

ملاحسین واعظ کاشفی (۹۱۰-۸۲۰ ق)، یکی از برجسته‌ترین نمایندگان جریان‌های فکری و فرهنگی سده نهم هجری است. او در زمینه‌های مختلفی همچون تعامل دین و سیاست، آثار مهمی پدید آورده است. آنچه بر اهمیت واکاوی اندیشه سیاسی کاشفی می‌افزاید آن است که کاشفی در یکی از مراکز مهم شیعیان خراسان (سبزوار) متولد شده و در یکی از مراکز مهم اهل سنت شرق ایران (هرات) با سیاستمداران و فرهنگ‌دوستانی همچون سلطان ابوسعید تیموری، سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوایی و نورالدین عبدالرحمان جامی که همگی از معتقدان مذهب اهل سنت بودند، آشنایی و ارتباط داشت. در این بین، کاشفی ضمن اشاره به هم‌زمانی نگارش اثر با شرایط جنگی جامعه‌اش یا به عبارتی فراخوانده شدن شاهزاده به هرات (به دنبال حدوث وحشت و اسباب رعب و دهشت به جهت وقوع بعضی وقایع و حالات) (کاشفی، ۱۳۹۲: ۴) بر لزوم نگارش متنی جهت نیل به یک ترتیب اندر زده‌ی با حاکم بالقوه جهت مواجهه با بحران‌های مذکور را مدنظر داشته است. البته، دستور نوشتن این اثر از سوی سلطان حسین صادر شده بود و این بدان معنا بود که به معنای قرار گرفتن آن در چهارچوب درخواست قدرت حاکم و مطابق با رویکرد آن بوده است. بنابر متدولوژی سیاست و اندرزنامه‌های ایرانی، هدف غایی همه آن‌ها ارائه اندرزهای سیاسی - اخلاقی به حاکمان در جهت حکومت‌داری مطلوب بوده و غالباً بر مبنای خوانشی از شریعت انجام گرفته است. لذا، حکومت و اقتدار شاه در طول اقتدار الهی دیده شده و او را در ادامه ولایت انبیاء قرار داده است. بنابراین طبیعی است که اگر حکومت مستقر مقتدر، باثبات و عدالت‌گستر باشد، سیاست‌نامه‌نویسان این وضعیت را به حاکم یا پادشاه

نسبت دهند و در صورت از دست رفتن مشروعیت، اقتدار و ثبات حکومت، پادشاه و حاکم در نقطه اصلی ثقل مشکل قرار گیرند و شناخت درد مبتلا به حکومت و جامعه در اخلاق محسنی نیز مبتنی بر همین خوانش قرار دارد. در نتیجه، در این کتاب، برخلاف سیاست‌نامه خواجه نظام الملک که در آن بعد ایران‌شاهی مسلط بر رویکرد اسلامی کتاب است، در اخلاق محسنی و سیاست‌نامه‌های پس از آن، شاهد غلبه رویکرد فقهی - مذهبی و نیز شریعت‌بنیاد بر سیاست‌نامه‌ها هستیم (قادری، ۱۳۹۴: ۱۱۷) با توجه به این که خود نویسنده نیز خطیب و امام جماعت بوده و کلاس‌های درس دینی را اداره می‌کرد، این چرخش خود را برجسته می‌کند.

۲-۲-۵. دلایل پیدایش بحران‌های سیاسی و اجتماعی در عصر واعظ کاشفی

در ارتباط با عوامل پیدایش بحران‌های سیاسی و اجتماعی که در افکار واعظ کاشفی، برای نگارش کتاب اخلاق محسنی، تأثیرگذار بوده است می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد:

الف. سلطه طولانی مدت مغولان بر سرزمین ایران: در این دوره پوشیده نیست که زور شمشیر بر خردورزی غلبه داشته و قتل، غارت و ویرانی امری رایج بوده، به گونه‌ای که «بی معنا شدن حکمت عملی»، «سیطره بی‌اخلاقی عمومی»، و «توجیه سلطنت مطلقه»، معطوف بدان گشته و مسیر اندیشه سیاسی را دچار اعوجاجاتی کرده است (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

ب. اختلاف در داخل دربار میان دو گروه اهل شمشیر و اهل قلم: در سراسر حکومت سلطان حسین بایقرا، امیران به‌عنوان عناصر اهل شمشیر می‌کوشیدند بر اهل قلم چیرگی یابند و بر سرنوشت سیاسی آنان تأثیرگذارند از جمله متهم نمودن به سوءاستفاده‌های مالی که باعث عزل و شکنجه برخی وزیران می‌شد (فرهادی منفرد، ۱۳۸۲: ۱۰).

ج. مالیات‌گیری از مردم عادی و رعایا: در کنار اهل قلم، قربانیان بزرگ‌تر، مردم عادی و رعایا بودند که به‌واسطه کشورگشایی‌ها، لشکرکشی‌ها و حتی توطئه‌ها فرزندان تیمور علیه یکدیگر منابع و هزینه‌های مالی را با عنوان مالیات و عوارض با توسل به زور و جور حاکم پرداخت می‌کردند.

د. وجود نظام اقطاعی: نظام اقطاعی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های دولت تیموری، به‌مثابه پایه و اساس مادی برای سیستم نظامی عمل می‌کرد و نخستین بهره‌گیران این نظام، شاهزادگان و امیران، فرماندهان والای نظامی و رؤسای ایالات بودند (کمبریج، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

ه. در کنار عوامل فوق‌الذکر، تداوم صدمات مردم در مناطق روستایی و شهرها متعاقب مصادره‌ها، انتقام‌ها، قیام‌های پی‌پی و حرکت‌های سپاهیان، کشمکش‌های بی‌پایان جانشینی و تهاجمات اقوام دیگر به حدی بود که گفته می‌شود در دوره تیموریان «صحت از آرامش و فراوانی نعمت، عقلایی و منطقی به نظر نمی‌رسد». در عین حال، وضعیت فکری - فرهنگی این دوره نیز بی‌شباهت به اوضاع اجتماعی نبود به این معنی که متأثر از خلق و خوی طبقه حاکم در مسیری متفاوت با دوران پیشامغولی - ترکی حیات داشت (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

۳-۲-۵. آرمان‌شناسی در اندیشه و اعطای کاشفی

کاشفی در نگارش کتاب خویش تلاش می‌کند تا تصویری از صفات و ویژگی‌های بارز پادشاه ایده‌آل و عادل را نمایش دهد که جمع شدن این صفات در شخص شاه به لطف الهی و مقام ظل‌الهی‌اش در کنار مشاوره و مشورت و وزرایش عامل برقراری عدالت و جامعه‌ایده‌آل خواهد بود (Mitchell, 2003: 113). البته، این به معنای عدم حضور رگه‌های حکمرانی ایران‌شهری در این اثر نیست؛ چرا که همین اصل اهمیت مشورت با وزرا برای برقراری عدالت را می‌بایست از جمله اصول مورد نظر خواجه نظام الملک دانست که مورد استفاده کاشفی نیز قرار گرفته است.

سیاست در اندیشه کاشفی، تدبیر امور شخصی و جمعی است به نحوی که او خود نوشته است: «سیاست در لغت ضبط کردن است و بر نسق انتظام بداشتن» (کاشفی، ۱۳۹۲: ۸۳) و در ادامه می‌نویسد، سیاست دو نوع است: «یکی سیاست نفس خود و دیگری سیاست غیر خود. اما سیاست نفس به دفع اخلاق ذمیمه است و کسب اوصاف حمیده و سیاست غیر، دو قسم است: یکی سیاست خواص مقربان درگاه و ضبط و نسق اینان، دوم سیاست عوام و رعایا بر آن وجه است که بدان و بد فعالان را باید که پیوسته ترسان و هراسان دارد و نیکان و نیک‌کرداران را امیدوار سازد» (کاشفی، ۱۳۹۲: ۸۳). همان‌طور که از این عبارات برمی‌آید، کاشفی سیاست را خدمت به فرد و اجتماع می‌داند و لازمه آن پرهیز و دوری از اموری است که باعث قانون‌شکنی و خارج شدن از جاده اعتدال می‌شود. در نتیجه، طبق الگوی اسپریگنز، سیاست در اندیشه او یک ابزار مکانیکی است که هدف آن تأمین اموری است که شرع مقرر نموده است. در ادامه برای روشن شدن بهتر این نظر بیان کرده که: «بی‌قاعده شریعت، هیچ حق در مرکز خود قرار نگیرد و بی‌ضابطه سیاست، کار شرع و دین، نظام نپذیرد. پس سیاست ملوک، مَقْوی شرع باشد و احکام

شرع مُرَّوج ملک» (کاشفی، ۱۳۲۱: ۸۳). از این عبارت کاشفی دو نکته مهم مستفاد می‌شود؛ اول اینکه، بدون سیاست و تدبیر امور، نه احکام شرع امکان تحقق پیدا می‌کند و نه حکومت به دوام و قوام دست پیدا می‌کند. دوم اینکه، با سیاست و دیانت، نظام معاش و معاد مردم سامان پیدا می‌کند. پس سیاست باید وسیله‌ای باشد برای سعادت انسان‌ها نه فقط هدفی برای کسب قدرت (امینی زاده، رنجبر، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

۴-۲-۵. راه‌حل‌شناسی در اندیشه واعظ کاشفی

مادامی که اخلاق محسنی بر قالبی از رویکرد الهی به حکمران و نیز ابتدای جامعه اسلامی بر مبنای شریعت ذیل اقتدار شاهی تمرکز داشته و او را ضل‌الله نامیده، طبیعی است که برداشتی در همین قالب از حاکم و جامعه اسلامی ارائه دهد که البته، راه‌حل کاشفی در اخلاق محسنی تلاش برای آشنا کردن حاکم با صفاتی است که می‌تواند پادشاه را در مسیر حکومت بر جامعه و تقویت اساس پادشاهی‌اش یاری دهد. لذا، این صفات که در حول پادشاهی صورت‌بندی شده‌اند، زمینه را برای هژمون‌شدن گفتمان مطلوب و مدنظر کاشفی فراهم می‌آورد. بر همین مبنا، در این اثر، به‌مانند همه کتب حکمت عملی، از مدنی‌الطبع بودن آدمی و نیاز انسان‌ها به اجماع و به‌دنبال آن نیاز جوامع به قانون سخن گفته شده است و همانند بسیاری از شریعت‌نامه‌های دوران اسلامی، این قانون را قانون شریعت دانسته و پادشاه را جانشین پیامبر اکرم (ص) و حافظان قانون شریعت به شمار آمده‌اند؛ لذا او در آغاز کتاب درجه پادشاهی را در مرتبه نبوت می‌داند و معتقد است که برای آنکه پادشاه حافظ شریعت باشد، خود باید پیش از همه به این قانون عمل کند و برای این پادشاه عادل که عامل اصلی شکل‌گیری جامعه اسلامی و دولت اسلامی آینده‌آل است، چهل ویژگی برمی‌شمارد (فرهادی منفرد، ۱۳۷۸: ۲۰۲). نکته مهم در همین چهارچوب، و البته از زاویه‌ای که توجه ما را به تأثیر بستر زیست و شخصیت مؤلف اخلاق محسنی در به‌دست‌دادن رفتار سیاسی مناسب در قالب اندرزهایی به پادشاه معطوف می‌کند، بهره‌عملگرایانه‌وی از اخلاق است. در همین رابطه و در چهارچوب نسبتی که کاشفی میان مشروعیت سیاسی یعنی قدرت و اقتدار حاکم و دین برقرار می‌کند، ویژگی همگرایی پر سابقه دین و دولت در دستگاه تفکر سیاسی ایرانی را در کار خود با بهره از عبارت معروف «الملک و الدین توأمان»^۱ برجسته می‌سازد

۱. در عهد اردشیر بابکان درباره توامان بودن دین و ملک آمده است: «بدانید که پادشاهی و دین، دو برادر

و از این دفاع می‌کند که حاکم کسی است که قانون الهی را به قدرت و شوکت خود محافظت می‌نماید (کاشفی، ۱۳۹۲: ۶). بنابراین نگاه کاشفی به قدرت سیاسی، سوق دادن حاکم به اموری است که باعث می‌شود خدمت به افراد جامعه بیشتر و زمینه عدالت فراهم و در نتیجه قدرت حکومت افزایش یابد؛ زیرا نیروی انسانی مهم‌ترین و شاخص‌ترین منشأ تولید قدرت است. به همین دلیل است که کاشفی توجه ویژه‌ای به آگاهی حاکم از شرایط موجود دارد.

۳-۵. روضه الانوار

روضه‌الانوار عباسی یکی از برجسته‌ترین آثار اخلاقی است که در زمینه حکمت عملی و در ادامه سنت سیاست‌نامه‌نویسی فارسی در زمان شاه‌عباس دوم تألیف شده است. صاحب این اثر ملا محمدباقر سبزواری (م. ۱۰۹۰ ه. ق.)، امام جمعه و شیخ‌الاسلام عهد صفوی است که اثر خود را در تداوم سلسله تاریخی آثار به وجود آمده در زمینه حکمت عملی مدون کرده است. «سیاست مدن» به‌عنوان بخشی از حکمت عملی و البته در انطباق با شریعت اسلام، اساسی‌ترین بخش روضه‌الانوار را تشکیل می‌دهد (محمدی فشارکی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۱۹۹). بدین ترتیب، در عصر صفویه، به‌عنوان بخش آخر از سیر تاریخی بررسی سیاست‌نامه‌نویسی در پرتو قدرت حاکم، به آخرین اثر تاریخی مورد بررسی می‌رسیم. برای این عصر، روضه‌الانوار عباسی را که نمونه‌ای از سیاست‌نامه‌نویسی است مورد گزینش قرار داده و در ادامه بر اساس مبانی نظری نوشتار حاضر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۳-۵. مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر محقق سبزواری

تاریخ صفویان آشکار می‌سازد که علی‌رغم جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی، این دوره را می‌توان از نظر سیاسی و اجتماعی، یکی از بهترین ادوار تاریخ دوره اسلامی ایران برشمرد.

همزادند که پایداری هر یک جز به آن دیگری نباشد. زیرا دین شالوده پادشاهی است، و تاکنون پادشاهی پاسدار دین بوده است. پادشاهی را شالوده، و دین را از پاسدار گریزی نباشد. زیرا آنچه را به پاسدار است تباه شود، و آنچه را نه پایه، ویران گردد (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۶). چنین دیدگاهی در نامه تنسر نیز دیده می‌شود: «و عجب مدار از حرص و رغبت من به صلاح دنیا برای استقامت قواعد احکام دین، چه دین و ملک هر دو به یک شکم زادند دو سیده، هر گز از یکدیگر جدا نشوند و صلاح و فساد و صحت و سقم هر دو یک مزاج دارد (نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۵۳).

تشکیل حکومت مرکزی، نخستین و مهم‌ترین ویژگی این دوران، در قیاس با ادوار گذشته است. ثبات و اقتدار حکومت، امنیت را برای مردم به همراه آورد و به تدریج، کسب‌وکار رونق یافت و وضع معیشتی مردم به سامان گشت (طبری، فاضل‌نسب، ۱۳۹۱: ۸۲). در نتیجه شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران، زمینه برای شناسایی رسمی مذهب شیعه فراهم شد و در نتیجه این حکومت به مکتب امامت بُعدی سیاسی بخشید و در نوزایی حقیقی ایران در عهد شاه‌عباس اول سهمی برعهده داشت (استیرن، ۱۳۷۷: ۲۵).

ساختار اجتماعی و سیاسی دوران صفوی به شکل هرمی بود و شاه در رأس آن و مردم عادی که شامل دهقانان، صنعتگران، دکان‌داران و تجار کوچک بودند در قاعده هرم قرار می‌گرفتند. مابین این دو طبقه، اشراف لشکری و کشوری و گروهی از مقامات روحانی در سطوح مختلف قرار داشتند. قشرهای مردم نیز دارای اصناف و انجمن‌های اجتماعی و مذهبی بودند، به طوری که در هر شهر بااهمیتی، کسبه، بازرگانان، کارگران و سایر گروه‌ها نماینده‌ای برای خود داشتند. ویژگی جامعه صفوی، تلاش برای ایجاد پیوند میان جامعه ایرانی و ترکمن قزلباش و اتحاد میان علما و بازاریان بود (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۴۵). در این ساختار شاه در رأس هرم اجتماعی قدرت قرار داشت. پس از شاه، وزیر بود، سپس دیوان‌سالار (اعتمادالدوله)، بعد او جریان‌هایی چون اشرافیت کشوری و لشکری؛ مقامات بزرگ روحانی - تجار بزرگ، سپس نهادهای محلی حق‌طلب و عدالت‌خواه، تشکیلات اجتماعی - مذهبی و در نهایت عامه مردم، دهقانان، صنعتگران، دکانداران، تجار کوچک قرار داشتند (نوذری، ۱۳۸۹: ۲۹۱).

در این ساختار شاه حاکمی مطلق و فرمانروایی عادل با هاله‌ای از نیکوکاری بود که رعایایش در پناه او زندگی می‌کردند. او امور مملکت را با رعایت قوانین مذهبی انجام می‌داد و هیچ‌کس در مقابل شاه صفوی قدرت و نفوذی نداشت. همه‌روزه مجلس مشاوره در کشیک‌خانه تشکیل می‌شد و امور مملکت را مورد بررسی قرار می‌داد و گزارش آن به شاه می‌رسید و اگر وی تأیید می‌کرد اجرا می‌شد. عزل و نصب مهمی مناصب به دست شاه صورت می‌گرفت (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۲۵؛ نوذری، ۱۳۹۳: ۲۹۱). این میزان از تمرکز قدرت، تداوم سنت شاه‌مرکزی در اندیشه سیاسی ایران است که اینک رنگ‌وبوی مذهبی نیز به خود گرفته بود.

۲-۳-۵. دلایل بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی عصر محقق سبزواری

در رابطه با عوامل و شرایط حاکم بر زمانه محقق سبزواری که در ترسیم طرح آثار ایشان نقش

زیادی داشته است می‌توان به برخی از این موارد اشاره کرد:

الف. مشروعیت دینی استبداد و امارت استلاء و تغلب: در عصر محقق سبزواری، با تبدیل امامت به خلافت و سپس ملوکیت پس از دوره آرمانی صدر اسلام، «خلافت شوکت و استیلا» یا «رهبری تغلیبه و قهریه» پس از دوره راشدین، در حوزه نظر و عمل در دنیای اهل سنت چونان نظریه و روش غالب درآمد و فقهای بزرگ اهل سنت نیز به‌خوبی درصدد توجیه و تبیین آن برآمدند. آن‌ها در مقایسه با همتایان شیعه خود انعطاف بیشتری در انطباق آراء و عقایدشان با واقعیت‌های سیاسی داشته و دارند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

ب. ناامنی و وجود تهدیدهای متعدد: مشکل مهم دیگر در عصر سبزواری این بود که مردم در شرایط ناامنی و بروز تهدیدهای متعدد به‌جای درخواست خدمات از نظام‌های زمانه خویش، خواهان اهدای برترین نعمت یعنی امنیت بودند و آن را چونان مهم‌ترین وظیفه به‌شمار می‌آوردند. از این‌رو حفظ جان، مال و ناموس مردم در اوضاع بی‌ثبات آن دوره بسیار بااهمیت به‌حساب می‌آمد. از علل دیگر می‌توان به تهدیدها و حملات مداوم علیه دارالاسلام و نیز درگیری‌ها و آشوب‌های دائم سیاسی و فرقه‌ای در داخل کشور اشاره کرد.

در همین راستا، سبزواری بنا به آگاهی از اوضاع کلی حکمرانی و نیز وضعیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، به‌خوبی مهم‌ترین مشکلات را شناسایی نموده و در فصل نخست **سیاست‌نامه** خود با عنوان عوامل زوال دولت باب سخن در این خصوص را گشوده و پانزده عامل را در این جهت برشمرده است. به نظر می‌رسد در آن دوران مهم‌ترین مشکلاتی که قابل شناسایی بوده عبارت‌اند از: ظلم پادشاه، ظلم عمال و امرای پادشاه، اشتغال پادشاه به شرب و لهو و لذات و غفلت از امور ملک، تفویض امور به امرا و وزرا، تندخویی و درشت‌گویی پادشاه، خرج‌ها و بخشش‌های بی‌جا، خرابی مملکت و بی‌سرانجامی و تفرق رعیت، کمی لشکر که از مقدار حاجت کم‌تر باشد، خصومت و عداوت و منازعه میان امرا و خواص پادشاه، تفویض کارها به جماعتی که اهل آن کار نباشند و غرور و خودبینی (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

۳-۵. آرمان‌شناسی در اندیشه محقق سبزواری

از محتوای مطالب کتاب **روضه‌الانوار عباسی** به نظر می‌رسد که نویسنده، به‌خوبی از وضعیت

حکومت زمانه خود آگاه بوده است و مشکلات مبتلا به حکومت را که زمینه‌ساز انحطاط دولت صفویه را پیش از آن که اتفاق افتد، ایجاد نموده، به‌خوبی شناخته و پیش‌بینی کرده است. با این وصف، می‌توان گفت که در این کتاب صرفاً با اندرزگویی و یا توصیه‌نامه اخلاقی صرف برای شخص پادشاه مواجه نبوده، بلکه نویسنده درصدد طرح‌ریزی نظامی فلسفی در باب حکومت‌مداری است. اگرچه او غالباً مباحث فلسفی پیشین را تکرار نموده، اما ترتیب مباحث و ایجاد زمینه‌هایی از نوآوری در اثر ایشان کاملاً مشهود است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

سیاست مدن به‌عنوان بخشی از حکمت عملی و البته در انطباق با شریعت اسلام، اساسی‌ترین بخش **روضه‌الانوار** را تشکیل می‌دهد. نظام حکومتی صفویه که سبزواری برای اصلاح آن **روضه‌الانوار** را نوشت، در رأسش پادشاه قرار داشت. از این رو نقش پادشاه در حرکت جامعه از نگاه سبزواری از مهم‌ترین مسائل است که می‌باید مورد بررسی قرار گیرد. اگر پادشاه صالح و شایسته باشد امت که بر دین، طریقه و مسلک پادشاه هستند صالح و شایسته خواهند بود و اگر او فاسد باشد امت نیز فاسد خواهد شد. بنابراین در سیر حرکت انسان در تاریخ، پادشاهان هستند که انسان‌ها را به یکی از دو مسیر صلاح و خیر یا فساد و شر رهنمون می‌سازند و قوام شهرها به ملک و پادشاهی خواهد بود (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۱۵-۳۱۷). در واقع، محقق سبزواری، چهار خصلت را قواعد بنای ملک معرفی می‌کند که عبارت است از: «علو همت، رأی صحیح، عزیمت تمام، صبر نیکو» (لک زایی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). بر اساس نگرش سبزواری، این چهار خصلت پس از این که شخص قدرت را در دست گرفت (آن‌هم بر اساس توافق)، بنای پادشاهی او را مستحکم می‌سازد (لک زایی و باقریان، ۱۳۸۸: ۱۷).

در نگاه وی، جامعه ایده‌آل، بر مبنای نوع سلطنت در آن قابل صورت‌بندی است. وی حکومت را به شکل پادشاهی و آن را در دو دسته تقسیم می‌کند: دسته نخست؛ سلطنت فاضله: «که بنای سیر و اطوار ملک بر قواعد عقل و مناهج شرع بوده، از سلوک منهج توسط و اعتدال، که موافق میزان عدل است، قدم بیرون نگذارد. و غرض از آن تکمیل نفس خود و دیگران باشد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

دسته دوم؛ سلطنت ناقصه: که آن را سلطنت تغلبی خوانند و «غرض از آن، آن باشد که به جور و تعدی و پیروی هوا و هوس و دواعی نفسانی و تحریکات شیطانی خلق را در تحت بندگی خود درآورده، قوی و آلات ایشان را در مصارف آرزوهای شهوانی و غضبی خود صرف نمایند و در جور و تعدی و ستم بر خلق بی باک باشند» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

سبزواری از همین چهارچوب تقسیم‌بندی، برای صورت‌دهی به یک جامعه ایدئال مبتنی بر تعادل و تعامل، ذیل اقتدار سلطنت فاضله، بهره می‌گیرد؛ بنابراین، می‌توان گفت، جامعه ایدئال از نظر سبزواری، جامعه‌ای است که تحت سلطنت فاضله قرار گیرد. سلطنت فاضله نیز نوعی اداره ارگانیک امور بر اساس الگوی هگلی است که دولت همه‌چیز را تحت پوشش قرار می‌دهد. بدین معنا که بیرون از دامنه اقتدار دولت، جامعه‌ای قابل‌تصور نیست. بنابراین، او از منظر قدرت به جامعه می‌نگرد؛ در نتیجه، سیاست و جامعه به معنای وجود حکومت بر آن است.

۴-۳-۵. راه‌حل‌شناسی در اندیشه محقق سبزواری

برونداد نظام گفتمانی محقق سبزواری در تمامی ابواب بر درهم‌آمیزی مشروعیت سلطنت با شریعت اسلامی در چهارچوب شخص پادشاه است. او سعی وافر دارد تا شاه را به رفتار درست رهنمون سازد و اگر جایی مطلب به گونه‌ای باشد که ممکن است واکنش ناصوابی بر آن مترتب شود از زبان تمثیل و حکایت استفاده می‌کند. چنان‌که به دیگران نیز اکیداً سفارش می‌کند که حقایق را به گوش پادشاه برسانند. به اعتقاد محقق سبزواری خداوند، که خالق انسان است، دو جهان آفریده است: نخست، جهان ممت که جهانی است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم؛ دوم، جهان حیات که جهان آخرت است. دنیا پلی است برای رفتن به سوی آخرت.

درنهایت او به این نتیجه می‌رسد که جامعه به پادشاه نیاز دارد و در راه‌حل او، حکومت پادشاهی اساس و اصل است. اما در حول نظام پادشاهی امنیت‌ساز یک مجموعه مفاهیم پسینی قرار دارد که اغلب برای ایجاد یک پادشاهی قوی و امتنان آن طرح شده است. مفاهیم کلیدی در این نظام سیاسی پادشاهی مورد‌نظر سبزواری شامل صفاتی چون بلندی همت، متانت رای، عزم قوی تمام، صبر بر سختی‌ها، یسار و وفور مال، برخوردار از لشکریان موافق و نسب عالی باشد. وظایفی برای نیل پادشاه نیز در نظر می‌آورد که در صورت عمل به آن‌ها مشکلات حکومت برطرف شده و جامعه، سیاست و حکومت ایده‌آل شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از: عدالت و شرایط آن چون رعایت مساوات، تقسیم عادلانه خیرات عامه، حفظ خیر عامه بر اهل مدینه؛ احسان؛ الزام به اکتساب فضایل؛ رازپوشی، استمالت اعدا می‌باشد (محمدی فشارکی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

با توجه به آنچه مطرح شد و در چهارچوب بستر زمانه سبزواری که مهم‌ترین مشکلات مبتلا به امپراتوری صفوی از دوران شیخ صفی به این سو اشاره گردید، مشکلات زیادی این حکومت

را تهدید می‌کرد، در وضعیتی که محقق سبزواری به‌عنوان اندیشمند تراز اول مسئولیت خود می‌دانست که با شناخت از جامعه و حکمرانی به نوشتن سیاست‌نامه خود اقدام نماید. حاصل آن در هم کنشی قدرت و قلم برای نیل به تقویت بنیان پادشاهی صفوی و نیز تقویت مشروعیت الهی آن بوده است. در نتیجه، با درهم‌آمیزی سنت فلسفی فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیر و نیز تقویت مبانی شرعی و فقهی حکومت، سیاست‌نامه خود را عرضه نمود.

۶. نتیجه‌گیری

با استفاده از چهارچوب نظری توماس اسپریگنز، می‌توان این‌طور تحلیل کرد که محور اصلی اندیشه سیاسی ایران در دوره اسلامی، بر نگارش سیاست‌نامه‌ها می‌چرخد. این آثار در تداوم اندیشه سیاسی ایران، جهت پاسخ به رخدادهای سیاسی در زمان و مکان خاصی شکل گرفته، که هدف آن‌ها نیل به جامعه‌ای بهتر بر مبنای اندرزهایی است که در خصوص آن وضعیت مطلوب مطرح می‌کنند. درهم‌آمیزی مبنای اصلی تاریخی اندیشه ایرانی که پیش از اسلام به ارث رسیده با شریعت اسلامی زمینه را برای اندیشه‌پردازی نوین در حوزه سیاست فراهم می‌آورد، که در واقع خواجه نظام الملک طوسی پایه‌گذار راستین آن است. این سنت پس از ایشان به یک روند همواره در حال تحول بدل می‌شود و به تدریج با تحول در نظام سیاسی جامعه، که از تسنن به تشیع در حوزه مذهبی می‌گراید، خود را تکوین می‌بخشد و تطبیق می‌دهد. جامعه مورد نظر این آثار در واقع تولید وضعیتی است که در آن، نظام سیاسی حاکم زمینه را برای نیل جامعه به کمال یا سعادت فراهم آورد.

در دوره سلجوقیان با توجه به وضعیت سلطنت در این دوران و نیز منصب خواجه به‌عنوان وزیر سلجوقیان، مشروعیت سیاسی حاکم از تلفیق اندیشه ایران شهری و نیز اعتقادات دینی وی با غلبه باستان‌گرایی برآمده است؛ اما، در دوران کاشفی و سبزواری با توجه به این که آن‌ها دارای مناصب دینی بودند و اندیشه دینی در مشروعیت‌دهی به حاکم بر اندیشه سیاسی ایران شهری‌شان غلبه داشته؛ لذا مبنای مشروعیت حاکم بیش از آن که از مبانی اندیشه ایران باستانی برآید، از معرفت دینی اتخاذ شده است. در حالی که اسلوب و روش نگارش همان است که در سده‌های گذشته و نیز روال سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی وجود داشته است.

در عصر تیموریان، اخلاق محسنی که از ذهن کاشفی به‌عنوان اهل قلمی باشخصیت متساهل و پایبند به سنت فکری ایرانی؛ اما در یک شرایط بحرانی از نوع غلبه خشونت و شمشیر، تراوش

کرده است، به خوبی نشان می‌دهد که نیاز زمانه یعنی آبادانی، عدالت‌پیشگی، خردورزی و بزرگ داشتن اهل قلم را درک کرده است؛ اما از آنجا که طرف سخنش شاهان و خوانین تیموری با اصالت ترکی - مغولی هستند، این مهم را به گونه‌ای مطرح می‌کند که از یک سو حمل بر تغییر حاکمان نیست، ولی از سوی دیگر تغییر رفتار آنان را می‌طلبد. در نتیجه، کاشفی در اندیشه سیاسی، چهارچوبی نو و ساختاری جدید معرفی نکرده، بلکه ناظر به همان نظریه حکومت سنتی استبدادی ایرانی و تحت تأثیر گرایش‌های عرفانی و تصوفی، نگرشی اخلاقی به عرصه سیاست و حکومت انداخته، امری که موجب تغییر ساختاری در تولید و توزیع قدرت نشده، اما ملاطفت رفتار حاکمان را توصیه کرده است.

در عصر صفویه، سبزواری هم بر همین مبنا، معتقد بود که بیرون از دامنه اقتدار دولت، جامعه‌ای قابل تصور نیست. بنابراین، او از منظر قدرت به جامعه می‌نگرد؛ در نتیجه، سیاست و جامعه به معنای وجود حکومت بر آن است. اساساً در نظام سیاسی سبزواری، حکمت با ملازمت شریعت به عنوان اصلی‌ترین پایه‌های نظام سیاسی و در کنار عدالت و عقل مصلحت‌اندیش می‌تواند زمینه‌ساز سعادت شخص شاه و جامعه باشد. حکمت، شریعت، عدالت و عقل، چهار کلیدواژه اساسی در تفکر سبزواری به حساب می‌آیند که هر کدام به نوع خود درخور توجه هستند. تأکید بر عدالت در نظام اخلاقی سبزواری یادآور نظریات خواجه نظام الملک در ارتباط با این مفهوم بنیادین اخلاقی است.

جدول مقایسه اندیشه‌های سیاست‌نامه‌نویسان بر مبنای نظریه چهارگانه توماس اسپرینگز

سیاست‌نامه‌نویسان مورد بحث این نوشتار	مرحله اول) تشخیص بحران	مرحله دوم) علل بحران	مرحله سوم) آرمان شناسی	مرحله چهارم) راه حل شناسی
خواجه نظام الملک	مشکلات مبتلا به حکومت و جامعه، دخالت ترکان خاتون و فعالیت‌های سیاسی و مذهبی فرقه اسماعیلیان	نسبت سلطان و خلیفه، رواج اختلافات مذهبی و قومی، اختلافات داخل دربار و جامعه نابرابر و وجود فقر و جهل ..	نقش فرمانروا و حاکم با داشتن صفات ویژه از جمله عدل	ایجاد دولت بر نهادی اخلاقی و باستانی حول شخصیت سلطانی با فره ایزدی

کاشفی	وجود شرایط جنگی و حدوث وحشت و اسباب دهشت در بین جامعه	سلطه مغولان، اختلاف داخل دربار، مالیات گیری گسترده از مردم و وجود نظام اقطاعی	درهم آمیزی سیاست و دیانت در کنار پادشاه عادل و ایده آل	ابتنای جامعه اسلامی بر مبنای شریعت ذیل اقتدار شاهی
محقق سبزواری	وجود جامعه طبقاتی و قرار داشتن شاه در رأس هرم و عامه مردم در پایین این هرم	مشروعیت دینی استبداد و ناامنی و تهدیدهای متعدد	سیاست مدن به عنوان بخشی از حکمت عملی	درهم آمیزی مشروعیت سلطنت با شریعت اسلامی

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵) «امنیت و راه کارهای تأمین آن در اندیشه محقق سبزواری»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۴، صص ۱۴۴-۱۶۵.
- اسپریگنز، توماس. (۱۳۹۲) **فهم نظریه های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- اسلامی، روح الله؛ خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۲) «تکنولوژی های قدرت در سیاست نامه خواجه نظام الملک»، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۲۶.
- استیرلن، هانری. (۱۳۷۷) **اصفهان تصویری از بهشت**، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر تندیس نقره ای.
- امینی زاده، علی؛ رنجبر، محمدعلی. (۱۳۹۶) «واکاوی اندیشه سیاسی - مذهبی مالحسین واعظ کاشفی»، **فصلنامه پژوهش های تاریخی**، سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۶، صص ۱۷-۳۲.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۳) «مسأله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز»، **فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، سال ششم، شماره ۷۴، صص ۴۵-۷۴.
- تاجیک نشاطیه، نرگس. (۱۳۹۴) «خوانش تفسیری اخلاق محسنی به مثابه اندرنامه سیاسی عصر تیموری»، **فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**، دوره هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، صص ۹۵-۱۲۵.
- ترکمنی آذر، پروین. (۱۳۸۸) «تأملی بر آداب ملوک و قاعده ملک داری در نگاه افضل الدین کرمان (مقایسه تطبیقی کتاب عقد العلی للموقف الاعلی با سیر الملوک های پیشین)»، **فرهنگ**، شماره ۷۱، صص ۵۱-۱۵.

- جوانپور هروی، عزیز. (۱۳۸۶) «مبانی مدیریت سیاسی در اندیشه خواجه نظام الملک طوسی»، **علوم مدیریت**، شماره ۳، صص ۷-۲۱.
- دانشگاه کمبریج. (۱۳۸۲) **تاریخ ایران، دوره تیموریان**، جلد ششم، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- رنجبر، مقصود. (۱۳۸۷) «سیاست‌نامه‌نویسی در ایران»، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال بیست و سوم، شماره ۲۵۸-۲۵، صص ۱۳۸-۱۵۹.
- روزنتال، اروین جی. (۱۳۸۷) **اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه**، ترجمه علی اردستانی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- زرگری نژاد، غلامحسین؛ فروزش، سینا. (۱۳۸۶)، «نقش اندیشه سیاسی نظام الملک در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی»، **مسکویه**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ری، شماره ۸، صص ۱۱۱-۱۵۶.
- سلیمان الراوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴) **راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق**، تصحیح محمد اقبال، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شاکری، سیدرضا. (۱۳۹۵) «اهمیت نظریه سیاسی در نسبت با علم سیاست، بررسی و نقد کتاب **فهم نظریه‌های سیاسی**»، **پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال شانزدهم، شماره ۴۱، صص ۹۷-۱۱۵.
- شریف، میان محمد. (۱۳۶۵) **تاریخ فلسفه در اسلام**، جلد دوم، به کوشش محمد شریف، تهیه و گردآوری و ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۶۴) «مقدمه‌ای بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، **معارف**، شماره ۵، صص ۱۴-۲۹.
- _____ . (۱۳۸۳) **درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران**، تهران: کویر، چاپ دوم.
- فیرحی، داوود. (۱۳۸۲) **قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام**، تهران: نشر نی.
- طبسی، محسن؛ فاضل‌نسب، فهیمه. (۱۳۹۱) **بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان**، **نشریه هنرهای زیبای - معماری و شهرسازی**، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۹۰-۸۱.
- فرهادی منفرد، مهدی. (۱۳۸۲) **پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان (۸۷۳-۹۱۱)**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- قادری، حاتم. (۱۳۹۴) اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.
- کاشفی، ملاحسین. (۱۳۲۱) اخلاق محسنی، نسخه خطی، قم: کتابخانه موسسه آموزش عالی باقرالعلوم قم.
- _____ (۱۳۹۲) اخلاق محسنی، تهران: چاپ سنگی.
- لک زایی، نجف. (۱۳۸۰) اندیشه سیاسی محقق سبزواری، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- لک زایی، نجف؛ باقریان، زهره. (۱۳۸۸) «نگرش تاریخی محقق سبزواری در کتاب روضه الانوار عباسی»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره مسلسل ۳۷، صص ۷-۳۶.
- لمبتون، آن. (۱۳۹۲) تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن. (۱۳۸۳) روضه الأنوار عباسی در اخلاق و شیوه کشورداری، مصحح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- محمدی فشارکی، محسن؛ طاهره صالحیان. (۱۳۹۲) «روضه الانوار عباسی، نظام نامه اخلاق حاکمان در عهد صفوی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۲۳۲-۱۹۹.
- مینوی، مجتبی. (۱۳۵۴) نامه تنسر به گشنسب، تهران: خوارزمی.
- مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۶۹) تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی، جلد ۱، تهران، سروش.
- سیوری، راجر. (۱۳۸۹) ایران عصر صفوی، تهران: نشر مرکز، چاپ نوزدهم.
- ناظرزاده کرمانی، فرناز. (۱۳۷۶) اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- نظام الملک، حسن بن علی. (۱۳۴۰) سیرالملوک (سیاست نامه)، در مجموعه متون فارسی به کوشش هوبرت دارک، زیر نظر احسان یار شاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۸۰) سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نودری، عزت الله. (۱۳۹۳) تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، تهران: خجسته، چاپ هشتم.
- یآوری، نگین. (۱۳۹۷) اندرز به سلطان: نصیحت و سیاست در اسلام قرون میانه، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
- Mitchell, Colin Paul (2003) To Preserve and Protect: Husayn Va'iz-i Kashifi and Perso--Islamic Chancellery Culture و Iranian Studies, Taylor & Francis, Ltd, International Society of Iranian Studies., pp. 77-106.